پرونده «تا بهارستان» فرهیختگان- بخش اول: اتحاد ملت

اتحاد برای عبور از روحانی

حانیه موحدین
روزنامه‌نگار

«خاتمی را چماق خود در مقابل دیگر اصلاح‌طلبان کرده‌اند.»، این عبارت همراه واژگانی چون «خودمحور» و «خودبزرگ‌پندار» و «قیم‌مآب» تعبیر یکی از چهره‌های جریان اصلاح‌طلب از حزب اتحاد ملت است. نه‌تنها جوادی حصار که دیگر اعضای احزاب اصلاح‌طلب نیز انتقادات تند و تیزی نسبت به اتحاد ملتی‌ها دارند. در مقاطع مهمی چون تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری، انتخاب شهردار تهران و این روزها که زمزمه‌های انتخابات مجلس جدی‌تر شده، انتقادات درون خانوادگی نسبت به عملکرد این حزب اصلاح‌طلب نیز درون خانواده اصلاحات بالا گرفته است. تا آنجا که این عضو حزب اعتماد ملی معتقد است «دوغ درست کرده‌اند که وقتی لازم شد، آب به آن ببندند.» انتقاداتی که پیش از این نیز از افزایش سهم اتحاد ملتی‌ها در سازوکارهای این جریان به نام جوانان و افراد حقیقی خبر می‌داد. اصلاح‌طلبان می‌گویند اتحاد ملتی‌ها با نگاه از بالا به پایینی که نسبت به دیگر احزاب اصلاح‌طلب دارند باعث چندپارگی این جریان شده‌اند. نقدهایی که پیش از این در دهه ۸۰ نشنیده می‌شد و آن زمان اتهام‌ها متوجه بنیان حزب اتحاد ملت می‌شکست بود. در واقع حزب اتحاد ملت لیان اسلامی بدلی از حزب مشارکت بود که بعد از انشعاب سال ۹۲، نکاپوی تاسیسش به راه افتاد. دی‌ماه سال ۹۳ مشارکتی‌های سابق درخواست رسمی تاسیس حزب جدید را به وزارت کشور اعلام کردند و ۳۱ فروردین ۹۴ نیز موفق به اخذ مجوز از وزارت کشور شدند. اتحاد ملتی‌ها در بیانیه اعلام موجودیت خود که ۲ اردیبهشت ۹۴ منتشر کردند، تاکید داشتند که به یمن حمایت سیاسی مشارکت صورت در انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ فضای جدیدی از اعتدال و امید در کشور به وجود آمده است. «و آنها آسیبی هم که از روی سیاست‌ورزی در قالب حزب اتحاد ملت بالا زده‌اند. اولین کنگره حزب اتحاد ملت ۲۹ مرداد همان سال در محل سالن اجلاس سران تهران برگزار شد. علی شکوری‌راد به دبیرکلی این حزب رسید و آقا مرتضی نیز به عنوان قائم‌مقام دبیرکل این حزب انتخاب شد. اتحاد ملت چه احزابی محسوب می‌شود که هر سال موفق به برگزاری کنگره سالانه خود شده است. پنجمین کنگره سالانه این حزب قرار بود ۳۰ آبان برگزار شود که به تعویق افتاد. در همین راستا، حسین نورانی‌نژاد، سخنگوی این حزب به «فرهیختگان» خبر داد این مراسم پنجشنبه ۲۱ آذر در سالن شهید بهشتی اردوگاه باهنر برگزار خواهد شد. آن هم در مقطعی که نگاه به مواضع فعالان سیاسی اصلاح‌طلب‌نشان از پذیرش شکست‌زودهنگام انتخاباتی دارد. حزب اتحاد ملت در میان اصلاح‌طلبان از جمله احزابی محسوب می‌شود که از ماه‌ها پیش، خط و نشان برای شورای نگهبان را آغاز کرده و با تاکید بر حضور مشروط در انتخابات سعی دارد به‌نوعی حضور خود در انتخابات را با هزینه بالاتری به نظام عرضه کند تا به قول سعید جلرجبان، «با در خوف و رجا نگه داشتن نظام بتوانند به اهداف خود برسند. اگرچه در همین مرحله ثبت‌نام انتخابات نیز مشهود است که اتحاد ملتی‌ها به این باور رسیده‌اند خاتمی دوبار که سهل است ۲۰ بار هم تکرار کند نخواهد توانست افکار عمومی را به حزب جلب کند. چراکه عملکردشان در دولت و مجلس به گونه‌ای بوده که آنها را در انسداد سیاسی قرار داده است. بن‌بستی که نه‌راه برائت از تکرار و نه‌داده‌های کلید روحانی خواندشان را برایشان باز گذاشته و نه جای دفاعی از کارنامه پاشنه ورنکشیده‌های امیدی مجلس دهم باقی گذاشته است. بر همین اساس است که محمدجواد روح، عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت، به «فرهیختگان» می‌گوید: «اگر در حال حاضر هم مانند دو سال پیش (سال ۹۶) با سوت آقای خاتمی دو، سه میلیون نفر در تهران رای می‌دادند؛ امروز بین اصلاح‌طلبان برای ثبت‌نام کردن و در لیست رفتن کشت‌وکشتار بود.»

شاید جالب باشد بدانید آخرین مطالب بارگذاری شده در وبسایت رسمی حزب اتحاد ملت به سال گذشته بازمی‌گردد و بیانیه پایانی چهارمین کنگره این حزب که در آذر سال ۹۷ برگزار شد. آنقدر صفحه اینترنتی حزب اتحاد ملتی‌ها در رکود است که همچنان در حال محکوم کردن حمله تروریستی اروز گذشته، «هواز هستند» روز گذشته‌ای که از آن یکسال و دوماه و ۱۸ روز گذشته است! حسین نورانی‌نژاد، سخنگوی این حزب در این راستاد گفت«گو با «فرهیختگان» معتقد بود که به دلیل مشکلات فنی سایت به‌روزرسانی نشده و به گفته او همان ابتدای دولت اصلاحات با حمایت رسمی رئیس دولت، پا به میدان سیاست بگذارند. اگرچه سیدمحمد خاتمی به گفته برادرش ترجیح داده بود عضویت رسمی حزب مشارکت را نپذیرد. سعید حجریان، مصطفی تاجزاده، عبدالله رمضان‌زاده، هادی خانیکی، عباس عبدی، علی شکوری‌راد، حمیدرضا جلایی‌پور، الهه کولایی، آذر منصوری و... در کنار رضا خاتمی و میرداماد‌ی از دیگر چهره‌های شاخص و بنیانگذاران حزب مشارکت محسوب می‌شدند. چند ماه بعد از آغازبه کار رسمی حزب مشارکت، اصلاح‌طلبان توانستند انتخابات شورای شهر اول را نیز به کام خود ثبت کنند و در این انتخابات نیز از میان اصلاح‌طلبان راه یافته به شورا، مشارکتی‌ها با ۱۳ عضو در اکثریت بودند. حزب مشارکت در انتخابات مجلس شنم نیز توانست ۶۱ کاندیدای اختصاصی خود را به کرسی‌های بهارستان برساند. انتخاباتی که در آن ۲۶ نفر از لیست مشترک اصلاح‌طلبان تهران به مجلس راه یافتند. بعد از پیروزی‌های شورای شهر و مجلس ششم، مشارکتی‌ها پی برده خود را اصلاح‌طلب واقعی می‌خواندند و دیگر احزاب هم خانواده‌شان را بدلی. از این رو این حزب به گعده‌نشینی‌های سال‌هایی از هفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری و حلقه کیان و حلقه آیین باز می‌گشت. با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات، ۱۰۶ نفر از چهره‌های شاخص و فعال در ستادهای انتخاباتی وی که حالا با روی کار آمدن دولت اصلاحات، اکثرا یا وزیر بودند یا در سمت معاونت و مشاورهای دولتی مشغول فعالیت بودند یا بعد از آن بر کرسی‌های مجلس ششم تکیه زدند. آنها ابتدا عنوان جبهه را برای خود درنظر گرفته بودند، عنوانی که نشان می‌داد موسسان، داعیه پرچمداری جریان اصلاحات را دارند. ولی از آنجا که جبهه تعریف مشخصی دارد با چراغ قرمز ماده ۱۰ قانون احزاب مواجه شدند و از این رو حزب رانیز به‌دنبال عنوان «جبهه مشارکت ایران اسلامی» ستچاق کردند. محمدرضا خاتمی -که در مجلس ششم به نایب‌رئیسی رسید- تا کنگره هشتم یعنی تابستان ۱۳۸۵ دبیرکلی این حزب را برعهده داشت و بعد از آن جای خود را به محسن میردامادی داد. محمدرضا خاتمی درخصوص تاکیدشان بر جبهه خوانده شدن مشارکت گفته بود: «در عرف سیاسی جبهه یعنی تشکلی که از احزاب و گروه‌های مختلف تشکیل شده باشد، ما متوجه این موضوع بودیم ولی می‌خواستیم خودمان را در حد اکثرهای جزمی و حزبی گرفتار نکنیم. ما به این دلیل نام جبهه را انتخاب کردیم که نمی‌خواستیم این حزب در برابر احزاب دیگر باشد.» بر این اساس جبهه مشارکت با هدف ساماندهی ۲۰ میلیون رای خاتمی به میدان آمده بود و گفته می‌شد الزامی ندارد که اعضای این حزب عضو هیچ عضو تشکل دیگری نباشند. درواقع مشارکت از بعد دولت ساختگی جای پای کارگزاران گذاشته بود با این تفاوت که آنها در انتهای دولت هاشمی رفسنجانی به میدان آمدند و با حمایت رسمی رئیس دولت، پا به میدان سیاست بگذارند. اگرچه سیدمحمد خاتمی به گفته برادرش ترجیح داده بود عضویت رسمی حزب مشارکت را نپذیرد. سعید حجریان، مصطفی تاجزاده، عبدالله رمضان‌زاده، هادی خانیکی، عباس عبدی، علی شکوری‌راد، حمیدرضا جلایی‌پور، الهه کولایی، آذر منصوری و... در کنار رضا خاتمی و میرداماد‌ی از دیگر چهره‌های شاخص و بنیانگذاران حزب مشارکت محسوب می‌شدند. چند ماه بعد از آغازبه کار رسمی حزب مشارکت، اصلاح‌طلبان توانستند انتخابات شورای شهر اول را نیز به کام خود ثبت کنند و در این انتخابات نیز از میان اصلاح‌طلبان راه یافته به شورا، مشارکتی‌ها با ۱۳ عضو در اکثریت بودند. حزب مشارکت در انتخابات مجلس شنم نیز توانست ۶۱ کاندیدای اختصاصی خود را به کرسی‌های بهارستان برساند. انتخاباتی که در آن ۲۶ نفر از لیست مشترک اصلاح‌طلبان تهران به مجلس راه یافتند. بعد از پیروزی‌های شورای شهر و مجلس ششم، مشارکتی‌ها پی برده خود را اصلاح‌طلب واقعی می‌خواندند و دیگر احزاب هم خانواده‌شان را بدلی. از این رو پیروزی‌های انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس را نیز به نام خود ثبت کرده و رفته‌رفته آهنگ اختلاف‌شان با دیگر احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب نیز بیش از پیش شنیده شد. تا آنجا که اختلافات درون خانوادگی درنهایت به انحلال شورای شهر اول منجر شد و از دیگر سو مجلس ششم نیز عنوان پرحاشیه و جنجالی‌ترین مجلس را در تاریخ جمهوری اسلامی به نام خود زد. از اتفاقات کوی دانشگاه و تندروی‌های مطبوعاتی مشارکتی‌های وقت که بگذریم، اعضای حزب مشارکت که تئوریسین‌های اصلاحات محسوب می‌شدند، تا آنجا تند پیش رفتند که در سال‌های پایانی دولت دوم اصلاحات، بحث‌های عبور از خاتمی نیز به حد از سوی آنان بیگیری شد. عبوری که البته زمزمه‌هایی از حتی پیش از انتخابات هشتم ریاست‌جمهوری هم شنیده شد، ولی جدی شدن آن به سال‌های پایانی دولت خاتمی باز می‌گشت. آنان درواقع می‌خواستند با رقیب‌سازی بدلی از خود جلوی آغاز حرکت دومینوی شکست‌های انتخاباتی‌شان را بگیرند. ولی آش سیاست‌ورزی مشارکتی‌ها چنان شور شده بود که افکار عمومی نیز به همان تندی سیاست‌ورزی آنها از این جریان سیاسی رویگردان شدند. بر این اساس جریان اصلاحات در انتخابات شورای شهر دوم حتی در لوای دولت و مجلس هم‌سو و بی‌آنکه داشت، از چهره ناشناخته‌ای چون محمود خسروی‌وفا، رئیس فدراسیون جانبازان و معلولان نیز آرای کمتری به خود جذب کرد. مشارکتی‌ها که به تعبیر دیگر احزاب اصلاح‌طلب خود را تافته جدا بافته از جریان اصلاحات می‌خواندند، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴، زیر بار کاندیدایی جز مصطفی معین نرفتند. اگرچه پیش از آن تحریم به‌عنوان راهبرد انتخاباتی خود برگزیده بودند. همان زمان این تحلیل وجود داشت که مصطفی معین به میدان آمده بود تا رد صلاحیت شود و آب گل شده از طریق رد صلاحیت او ماهی انتخابات را به کام اصلاح‌طلبان آورد. ستادهای تشکیل نشده و بی‌برنامگی معین نیز شاهد مثالی بر این دیدگاه است و بر این اساس صاحبان این تحلیل بر شوکه شدن وزیر مستعفی علوم دولت خاتمی تاکید دارند. به هر ترتیب اگرچه گروه‌های اصلاح‌طلب در انتخابات سال ۸۴ هیچ‌یک زیر بار کاندیدای واحد درون خانوادگی نرفتند، ولی شکست در انتخابات، انگشت اتهام را به سمت مشارکتی‌ها برد. دیگر گروه‌های اصلاح‌طلب معتقد بودند آنها از یک سو با تند کردن فضا باعث بی‌رغبتی مردم به جریان اصلاحات شده بودند و از سوی دیگر تاکید داشتند حضور متشتت اصلاح‌طلبان در انتخابات عاملی جز تمامیت‌خواهی حزب مشارکت نداشته است. در جریان دهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، عملکرد حزب مشارکت به بازداشت و محکومیت جمع کثیری از اعضای این حزب منجر شد و درنهایت پنجم مهر ۸۹، سخنگوی قوه‌قضائیه با توضیح برای بررسی عملکرد این حزب، درنهایت حکم انحلال این حزب را اعلام کرد.

اظهار نظر اعضای شورای مرکزی حزب اتحاد ملت در سال ۱۳۹۸	
پیام تسلیت و تبریک	۱۶
حمایت از دولت با تکیه بر برجام و عدم اختیارات دولت	۴
مسائل اجتماعی اعم از وضعیت کارگران، روزنامه‌نگاران، زنان و ...)	۱۲
انتخابات مجلس و مشارکت مشروط	۹
رفع حصر	۲
واکنش به اعتراضات به افزایش قیمت بنزین	۱۰
نقد درون‌گفتمانی	۳
منافع حزبی	۲
نقد نهادهای حاکمیتی	۳
نقد عملکرد دولت	۱
سایر	۱۵

بیانیه‌ها و گزارش‌های رسمی اتحاد ملت در سال ۹۸
سیل گلستان
محکومیت تروریست خواندن سپاه توسط آمریکا
سیل خوزستان، مازندران، شیراز و...
پیام تسلیت به مناسبت درگذشت بهمن کیاشوروز
روز معلم و روز کارگر
گزارش با تاکید بر عملکرد موفق شورای شهر تهران
محکومیت تحریم ظریف
پیام تسلیت به مناسبت درگذشت شمس‌الدین وهابی
اعلام نتایج شورایاری‌های تهران
نقد رویه‌های حاکم بر دستگاه‌های قضایی و امنیتی کشور (دختر آبی، احکام فعالان کارگری)
حضور زنان در ورزشگاه
حمله ترکیه به کردهای سوریه
پیام تسلیت به مناسبت انفجار تنظیم طاقانی
حوادث بعد از سهمیه‌بندی و افزایش قیمت بنزین

گفت‌وگو

نورانی‌نژاد، سخنگوی حزب اتحاد ملت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

رفتن سراغ نیروهای اجاره‌ای مشکل‌ساز است

سخنگوی حزب اتحاد ملت، از جمله افرادی است که معتقد است سیاست‌ورزی نیابتی اصلاح‌طلبان جواب نداده و با این حال تاکید دارد هنوز برای مجلس تصمیم نگرفته‌اند. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حسین نورانی‌نژاد است.

|||

انتقاداتی از سوی دیگر احزاب اصلاح‌طلب نسبت به حزب اتحاد ملت مطرح می‌شود، از جمله اینکه آنها معتقدند اتحاد ملت داعیه تصمیم گیری برای سایر احزاب اصلاح‌طلب را دارد یا از سهم‌خواهی اتحاد ملت درشورای عالی سیاستگذاری صحبت می‌شد. تا چه اندازه این انتقادات را قبول دارید؟

طبعا ما این حرف را درست و چنین نظری را اصلا فراگیر نمی‌دانیم، اما انتقادات و مطالبات مختلف در میان اصلاح‌طلبان وجود دارد و حق آنهاست. این که بیان می‌کنید اگر به معنای نقد اصلاح‌طلبان باشد حتما به گوش جان می‌شنویم. اصلاح‌طلبان مختلف نقدها و نظراتی دارند که ما معمولا سعی داریم در همین سازوکارهای اصلاح‌طلبی که تاسیس شده یا گفت‌وگوهایی درون خانواده اصلاح‌طلبان، این مسائل را تا حد ممکن حل کنیم. هر جایی هم نتوانستیم در کنار هم به فعالیت‌های جبهه‌ای ادامه می‌دهیم.

یعنی حتی ممکن است به ارائه لیست هم نرسید؟

بعید نیست.

از جهت این مطلب را بیان می‌کنید؟ به هرحال چهره‌های شاخص حزب اتحاد ملت اعلام کاندیداتوری کرده‌اند؟

باید ببینیم چقدر شرایط یک انتخابات معنادار وجود دارد. داشتن یک انتخابات معنادار مستلزم این است که فکر کنیم با حضور در انتخابات می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم، اگر قرار باشد در انتخابات به‌نحوی شرکت کنیم که نتوانیم تاثیرگذاری مطلوب داشته باشیم آن انتخابات عملا، معنا را می‌افتد. حزب باید بخشی از جامعه را نمایندگی کند، ما چون امکان فرستادن نیروهای اصلی را نداشتیم دوباره به یک‌سری دیگر نمایندگی دادیم که آنها مطالبات و اهداف‌مان را پیگیری کنند. این کار نوعی سیاست‌ورزی نیابتی است. در عمل دیدیم این سیاست‌ورزی نیابتی نمی‌تواند بدنه اجتماعی را راضی کند. اگر نظری داریم باید با نیروهای اصلی خودمان حضور پیدا کنیم که بتوانیم کاملا پاسخگو باشیم. این که نهادهایی بیایند با تنگ‌نظری برخی جریان‌ها را از حضور موثر و نیروهای اصلی خود محروم کنند و آنها مجبور شوند به جای حضور نیروهای اصلی خود سراغ نیروهای اجاره‌ای بروند، مساله‌ای مشکل‌ساز است. در آینده به این شیوه در انتخابات حاضر نخواهیم شد.

پاسخ خود را نگرفتم؛ شما به‌عنوان حزب اتحاد ملت، داعیه پدرسالاری برای سایر احزاب اصلاح‌طلب را دارید؟

خیر، ما حزبی هستیم که در چارچوب خود فعالیت می‌کنیم. به اندازه تلاشی که می‌کنیم، به اندازه توان‌مان سعی داریم تاثیرگذار باشیم. نه‌تنها بیش از تاثیرگذاری و توان خودمان، ادعایی نداریم بلکه همیشه کمتر از آن سعی کردیم ادعا داشته باشیم و بیشتر به کار خود بپردازیم. سیاست اعلامی و اعمالی ما این بوده که منافع ملی بر منافع اصلاحات، منافع اصلاحات بر منافع حزبی و منافع حزبی بر منافع فردی تقدم دارند.

این توان و انگزاری را سایر احزاب اصلاح‌طلب نیز قبول دارند؟

این نظر خود احزاب است. بخشی را احتمالا قبول دارند و ممکن است به بخشی نقد داشته باشند و این نظر محترم احزاب است. ما نیز نظر خودمان را داریم.

به نظر شما سرلیست و کاندیدای مطلوب اتحاد ملت برای انتخابات مجلس چه کسی می‌تواند باشد؟

در این باره هنوز به نتیجه نرسیده‌ایم و باید ببینیم خود فرآیند انتخابات به چه سمتی می‌رود و آیا به ارائه لیست می‌رسیم یا خیر، تا بعد به این شیوه در انتخابات حاضر نخواهیم شد.

فرض کنید نظارت استصوابی وجود نداشته باشد. چه کاندیدایی را می‌توانستید جایگزین نمایندگان اصلاح‌طلب فعلی کند که کارنامه متفاوتی نسبت به مجلس دهم داشته باشند؟

نیروی کارآمدی که سخنگوی خوبی برای آن بخش از جامعه باشد که قرار است نماینده‌گی آن را کنیم.

بهتر است مصداقی صحبت کنیم. در مرحله ثبت‌نام که ردصلاحیت وجود ندارد. به هرحال نیروهای اصلاح‌طلب حاضر در صحنه حتی با فرض تایید صلاحیت همه مشخص هستند. عرض من این است که سال ۹۲ در انتخابات ریاست‌جمهوری از آقای عارف و سال ۹۶ از آقای جهانگیری کاندیدا شده بود (عارف) به‌عنوان سرلیست در مجلس فرستادید. این رویه در افکار عمومی منتفاوت با بهانه دست بسته بودن شماست. از طرف دیگر انتخاباتی مثل شورای شهر دوم هم هنوز در خاطره‌ها هست که حتی بدون وجود نظارت استصوابی امثال آقای تاجزاده نیز رای نیاوردند.

درباره انتخابات شورای دوم حرفی نداریم. انتخابات دوره دوم شوراها به دلیل عدم مشارکت مردم که البته انتخاب هم حق ملت بود، شکست خوردیم. هیچ گاه درباره انتخابات دوره دوم شوراها حرفی نمی‌زنیم اما درباره سایر انتخابات حرف داریم. البته به نظر من اقتدار برگزاری انتخابات دوره دوم شوراها برای اصلاح‌طلبان است، اگرچه در آن شکست خورده باشند، اما صرف برگزاری آن انتخابات نشان داد که اصلاح‌طلبان نسبت به رقیب اصولگرای خودشان اعتماد بیشتری به ملت دارند. من به سخنانی ارجاع می‌دهم که اخیرا از حضرت امام هم منتشر شد و همه مسئولان را به این سخنان ارجاع می‌دهم که بدانند آن کسانی که داعیه انقلابی‌گری دارند، رهبر انقلاب، در آن موقع چه گفته بودند و آنها چه کردند و چقدر در مقابل آن ایستادند و چقدر بیناینگار نظام به مردم اعتماد داشتند و چقدر الان آن جریاناتی که آمدند با نظارت استصوابی و بستن دایره انتخاب مردم در مقابل رای مردم ایستادند.

اجازه بدهید به سوال پیشین برگردم؛ سال ۹۶ چرا اتحاد ملت پای آقای جهانگیری نایستاد؟ مگر نمی گویید سیاست‌ورزی نیابتی اشتباه بود؟

سال ۹۶ به خاطر اینکه در امتداد حرکت سال ۹۲ بودیم، به سمت کاندیدای دیگری نرفتیم. سال ۹۲ کسی دیگر را انتخاب کرده بودیم، میانه راه بود و به لحاظ اصول سیاست‌ورزی درست نبود که تغییر مسیر بدهیم.

یعنی تعارف کردید یا منافع‌تان اقتضا می‌کرد؟

تعارف نکردیم. بالاخره کسی بود که راهی را شروع کرده بود و از ۹۲ تا ۹۶ با عملکرد و قابل دفاع بود، به لحاظ اصول سیاست‌ورزی کسی که راهی را شروع کرده و تا آن مقطع خوب ادامه داده، جابه‌جا نمی‌کنیم. اما شما به جای اینکه از ما سوال کنید از شوراهای نگهبان بپرسید چرا در سال ۹۲ آن زمان که با ردصلاحیت آقای هاشمی و مخالفت با کاندیداتوری آقای خاتمی مواجه بودیم، با بستن راه کاندیداتوری کاندیداهای اصلی یک جریان مواجه شدیم؟

همان زمان هم آقای عارف را داشتید؛ معاون اول آقای خاتمی.

بله، ولی شما نباید برای ما تعیین کنید که کاندیداهایمان چه کسانی باشند.

به هرحال از اصلاح‌طلبان این افراد وجود داشتند.

بله، چون نیروی خوب کم نداریم. اما فرار نیست همه موجودی‌مان برای همه‌جا کاندیدای اول‌مان باشند. باید دست ما باز باشد که به‌عنوان یک جریان آن کسی یا کسانی که مدنظر داریم، بر اساس اولویت خودمان بچینیم. این حق شورای نگهبان نیست که برای ما اولویت‌بندی کند. پرسش شما به صورت بنیادین اشتباه است.

مثل این است که بگویید غذا قورمه‌سبزی و فسنجان داریم، کدام را میل دارید؟ شما بگویید من کباب می‌خواهم! طبیعتا سیاست‌ورزی عالم‌مکن‌هاست، از بین موجودها کسی را که به شما نزدیک‌تر است و اهداف را بهتر می‌تواند پیگیری کند باید انتخاب کنید، کمااینکه حمایت‌ها و عملکرد اصلاح‌طلبان نیز همین را نشان داده است.

اولا حدود امکان ما را که نباید رقیبامان تعیین کنند، ثانیا تنها عامل انتخاب که فقط گرایش سیاسی نیست. مجموعه‌ای از شرایط برای انتخاب یک کاندیدا در نظر گرفته می‌شود. بحث اصلی بر سر این است که بر اساس مثالی که زدید، فکر می‌کردیم قرار است با وقوع انقلاب سفره و منویی باز شود که در آن برای همه سلایق و ذائقه‌های ملت غذا آماده باشد. با این منویی که شورای نگهبان در این سال‌ها ایجاد کرده نمی‌توان به همه ذائقه‌ها پاسخ داد.

عرض من این است که فرض بگیریم اصلا شورای نگهبانی وجود نداشته باشد، از شما به‌عنوان سخنگوی حزب اتحاد ملت سوالم این است چنین فرضی چه کسی را به مجلس بفرستید کارنامه‌ای متحول‌شده خواهد داشت؟

در سال ۹۲ کاندیدای اصلی ما آقای خاتمی بود. طبعا اگر او دوباره سال ۹۶ می‌توانست کاندیدا شود کاندیدای ما آقای خاتمی یا آقای میرحسین موسوی بود.

به هرحال از اصلاح‌طلبان این افراد وجود داشتند. به هرحال در همین مرحله ثبت‌نام‌ها شورای نگهبانی وجود ندارد، با فرض تایید صلاحیت همه این افراد چه کسی سرلیست شود، سلیقه همه احزاب اصلاح‌طلب تامین خواهد شد و عملکردش با فرض رای‌آوری در مجلس هم متفاوت از لیست امید فعلی خواهد بود؟

طبعا اگر لیست حزبی بدهی و قرار بر لیست حزبی باشد یکی از آنها کاندیدای سرلیستی دبیرکل حزب می‌شود، اما از آنجا که قرار لیست لیست حزبی بدهیم، باید ببینیم در تعامل با سایر احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب چه تصمیمی می‌گیریم.

فکر می‌کنید کدام چهره می‌تواند سلیقه همه جریان‌های اصلاح‌طلب را تامین کند؟

ما حدسی نمی‌زنیم. تا زمانی که ندانیم که از قرنه شورای نگهبان چه کسانی عبور خواهند کرد. بنای ما این است که جبهه‌ای عمل کنیم.

نظر شخصی خودتان چیست؟

من اگر بخواهم تصمیم بگیرم، سراط‌رح پیشنهادی اتحاد ملت به شورای عالی سیاستگذاری بود؟

خیر، به خود اتحاد ملت هم پرزنت شد.

به هرحال این طرح منتسب به آقای جلایی‌پور یکی از اعضای اتحاد ملت است.

آقای جلایی‌پور یکی از کسانی بود که در طراحی آن نقش داشت و در اصل طرح او نبوده است. آقای جلایی‌پور هم در این رابطه پیشنهادهایی داشته و جزء کسانی بوده که پیگیر بودند، پیشنهاد دادند و کار کردند. مجموعه‌ای از افراد مختلف روی موضوع کار کردند، چون حزب همگرایی نداشتم تک‌تک افراد را نمی‌توانم نام ببرم.

نظر شما طبیعتا نسبت به سراط‌بولیت است؟

هر طرحی را که منجر شود سازوکار درونی اصلاح‌طلبان شفاف‌تر و دموکراتیک‌تر شود، حمایت می‌کنیم از جمله طرح سرا! البته هنوز قطعی نیست که‌سرا عملیاتی شود.

طبعا دوست دارم سرلیست ما در هر انتخاباتی (چه انتخابات مجلس و چه ریاست‌جمهوری) یکی از این دو نفر یعنی آقایان خاتمی و میرحسین موسوی باشد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

از روحانی عبور نکردیم؛ پایگاه خود را از دست دادیم

اگر در حال حاضر هم مانند دو سال پیش (سال ۹۶) با سوت خاتمی دو، سه میلیون نفر در تهران رای می‌دادند امروز بین اصلاح‌طلبان برای ثبت‌نام کردن و در لیست رفتن کشت‌وکشتار بود

محمدجواد روح
روزنامه‌نگار و عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت

۱ حزب اتحاد ملت در فضایی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و پیروزی آقای روحانی و طبعا فضای بعد از آن چهارسال سخت و سنگین بعد از انتخابات ۸۸ شکل گرفت. در آن مقطع، نقیزاده همه سران و نیروهای درجه یک حزب مشارکت بازداشت و به احکام طویل‌المدت محکوم شده بودند. حزب مشارکت هم رسما منحل شد (اگرچه اعضای مشارکت این انحلال را نپذیرفتند و آن را قانونی نمی‌دانند). در چنین فضایی، اعضای حزب مشارکت تاثیر جدی و محوری در پیروزی روحانی در سال ۹۲ ایفا کردند. آن دسته از چهره‌های ارشد مشارکت که بیرون زندان بودند، در قالب عضویت در شورای مشاوران خاتمی و بعد از آن هم تشکیل ستاد جوانان اصلاح‌طلب و ستادهای انتخاباتی، در فاصله زمانی کمتر از ۴۸ ساعت موقعیت روحانی را از نامزد چهارم، پنجم انتخابات به رئیس‌جمهور ارتقا دادند. این حرفی نیست که ما بخواهیم بیان کنیم «بلکه همان زمان خود نوبخت که دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و از مسئولان ستاد روحانی بودند، ابراز کردند و گفتند تا زمانی که نیروهای مشارکت با اینکه الان رسما حزبی هم ندارند، نیامده بودند برنامه‌ها و سخنرانی‌های روحانی و حامیان ایشان اصلا هیچ رونقی نه در تهران و نه در شهرستان‌ها نداشت. به عبارت دیگر، در کنار خاتمی که هم تدبیر به خرج دادند که عارف به نفع روحانی کنار بروند و هم حمایت خود را اعلام کردند، نیروهای حزب مشارکت در سطح سازماندهی آن حرکت و ایجاد موج اجتماعی، نقش و تاثیر جدی داشتند. موقعیت روحانی تا قبل از اینکه خاتمی و حزب مشارکت در کنار آن بقیه احزاب اصلاح‌طلب به ایشان بپیوندند، در نظرسنجی‌ها، آمار و ارقام کاملا مشخص و روشن است که با حمایت اصلاح‌طلبان، ایشان از چه وضعیتی به کجا رسیدند. این درحالی بود که حتی حکومیت برخی از اعضای موثر و سران حزب مشارکت هنوز تمام نشده بود. بنابراین، حزب اتحاد ملت به‌عنوان حزبی که دکتر معین حمایت نکردند، ولی حزب مشارکت بنا به تحلیل و برنامه‌ای که داشت این کار را انجام داد. درواقع، مشارکت درگیر ائتلاف و تصمیمات جبهه‌ای نبود و خود پیشرو بود. ولی اتحاد ملت بنا به تجربه‌ای که در انتخابات ۹۲ کسب کرده، تصمیم خود را گرفته بود که فعالیت سیاسی‌اش در قالب وجود اینکه از لحاظ نیروهای کیفی و کمی و تشکیلات قوی‌تر از سایر احزاب اصلاح‌طلب و حتی موثرترین حزب محسوب می‌شود؛ ولی راهبرد آن حرکت جبهه‌ای بوده است و خیلی موافع از آن چیزی که ظرفیت و حداقل حق این حزب بوده، به‌نفع مجموعه و به‌نفع کل ائتلاف اصلاح‌طلبان چشم‌پوشی کرده است. تاآنجا که حتی شاهد هستیم برخی از اصلاح‌طلب در روزهای پایانی انتخابات به رئیس‌جمهور ارتقا دادند. این حرفی نیست که ما بخواهیم بیان کنیم «بلکه همان زمان خود نوبخت نیست که دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و از مسئولان ستاد روحانی بودند، ابراز کردند و گفتند تا زمانی که نیروهای مشارکت با اینکه الان رسما حزبی هم ندارند، نیامده بودند برنامه‌ها و سخنرانی‌های روحانی و حامیان ایشان اصلا هیچ رونقی نه در تهران و نه در شهرستان‌ها نداشت. به عبارت دیگر، در کنار خاتمی که هم تدبیر به خرج دادند که عارف به نفع روحانی کنار بروند و هم حمایت خود را اعلام کردند، نیروهای حزب مشارکت در سطح سازماندهی آن حرکت و ایجاد موج اجتماعی، نقش و تاثیر جدی داشتند. موقعیت روحانی تا قبل از اینکه خاتمی و حزب مشارکت در کنار آن بقیه احزاب اصلاح‌طلب به ایشان بپیوندند، در نظرسنجی‌ها، آمار و ارقام کاملا مشخص و روشن است که با حمایت اصلاح‌طلبان، ایشان از چه وضعیتی به کجا رسیدند. این درحالی بود که حتی حکومیت برخی از اعضای موثر و سران حزب مشارکت هنوز تمام نشده بود. بنابراین، حزب اتحاد ملت به‌عنوان حزبی که دکتر معین حمایت نکردند، ولی حزب مشارکت بنا به تحلیل و برنامه‌ای که داشت این کار را انجام داد. درواقع، مشارکت درگیر ائتلاف و تصمیمات جبهه‌ای نبود و خود پیشرو بود. ولی اتحاد ملت بنا به تجربه‌ای که در انتخابات ۹۲ کسب کرده، تصمیم خود را گرفته بود که فعالیت سیاسی‌اش در قالب وجود اینکه از لحاظ نیروهای کیفی و کمی و تشکیلات قوی‌تر از سایر احزاب اصلاح‌طلب و حتی موثرترین حزب محسوب می‌شود؛ ولی راهبرد آن حرکت جبهه‌ای بوده است و خیلی موافع از آن چیزی که ظرفیت و حداقل حق این حزب بوده، به‌نفع مجموعه و به‌نفع کل ائتلاف اصلاح‌طلبان چشم‌پوشی کرده است. تاآنجا که حتی شاهد هستیم برخی از اصلاح‌طلب در روزهای پایانی انتخابات به رئیس‌جمهور ارتقا دادند. این حرفی نیست که ما بخواهیم بیان کنیم «بلکه همان زمان خود نوبخت دبیرکل حزب اعتدال و توسعه و از مسئولان ستاد روحانی بودند، ابراز کردند و گفتند تا زمانی که نیروهای مشارکت با اینکه الان رسما حزبی هم ندارند، نیامده بودند برنامه‌ها و سخنرانی‌های روحانی و حامیان ایشان اصلا هیچ رونقی نه در تهران و نه در شهرستان‌ها نداشت. به عبارت دیگر، در کنار خاتمی که هم تدبیر به خرج دادند که عارف به نفع روحانی کنار بروند و هم حمایت خود را اعلام کردند، نیروهای حزب مشارکت در سطح سازماندهی آن حرکت و ایجاد موج اجتماعی، نقش و تاثیر جدی داشتند. موقعیت روحانی تا قبل از اینکه